Our Planet ISSUES

Awareness, Responsibility, Change!

ourplanetissues.blogspot.com

Volume 2, Issue 3, May 2025

مسائل سیاره ما

آگاهی، مسئولیت‌پذیری، تغییر!

ourplanetissues@gmail.com

دوره ۲، شماره ۳، مه ۲۰۲۵

Our vision:
A just and sustainable world where everyone is responsible for the health of the planet and its inhabitants.
Our mission:
Raising awareness and fostering responsibility for the planet and all beings.

چشم‌انداز ما:
جهانی عادلانه و پایدار که در آن هر کسی مسئول سلامت سیاره و ساکنان آن باشد.
مأموریت ما:
افزایش آگاهی و ترویج مسئولیت‌پذیری برای سیاره و تمام موجودات.

پیام کلیدی:
هیچ آینده‌ای بدون تغییر و هیچ تغییری بدون آگاهی و مسئولیت‌پذیری ممکن نیست!
Key Message:
There is no future without change and no change without awareness and responsibility!

Contents of this issue

عناوین این شماره

Article: **مقاله:**

1. The Abstract of The Voice of the Worker, the Voice of the Earth; A Wake-Up Call in an Age of Destruction Page 3

۲. چکیده‌ی صدای کارگر، صدای زمین؛ ندای بیداری در عصر ویرانی صفحه ۳

۳. صدای کارگر، صدای زمین؛ ندای بیداری در عصر ویرانی صفحه ۴

Poems: **شعر:**

4. Risto Rasa (Finnish, English and Persian) Page 9

۵. پنج شعر از ریستو راسا (به زبان‌های فنلاندی، انگلیسی و فارسی) صفحه ۹

6. Lennart Sjögren (Swedish, English and Persian) Page 15

۷. دو شعر از لنارت شوگرن (به زبان‌های سوئدی، انگلیسی و فارسی) صفحه ۱۵

مانیفست

۸. مانیفست مجله *مسائل سیاره ما* صفحه ۱۸

Call for Contribution **دعوت به همکاری**

9. Be Part of the Global Movement for Change! Page 20

۱۰. بخشی از حرکت جهانی برای تغییر باشید! صفحه ۲۰

The Abstract of:

The Voice of the Worker, the Voice of the Earth; A Wake-Up Call in an Age of Destruction

In connection with International Workers' Day, this article explores the intertwined fate of workers and the environment. The author argues that in the profit-driven global order, both the dignity of human labor and the health of the planet are being systematically eroded. By highlighting the link between labor exploitation and environmental destruction, the article warns that the crises of livelihood and ecology are inseparable and cannot be solved in isolation. Through examples of polluting factories, degrading farmlands, and destructive development projects, it shows how both people and the planet are being harmed simultaneously. The root of this dual crisis lies in unjust economic structures and disregard for social responsibility, leading to deepening poverty and pollution. Collective awareness and responsibility are presented as the keys to confronting these crises and ensuring a just and sustainable future for all. Emphasizing the need for unity and a shift in perspective, the article concludes that hearing the voices of workers and the Earth is the first step toward awareness, responsibility, and change - and that International Workers' Day must become a starting point for awakening, not merely a one-day commemoration.

چکیده‌ی:

صدای کارگر، صدای زمین؛ ندای بیداری در عصر ویرانی

در پیوند با روز جهانی کارگر، این مقاله به رابطه ی هم‌زمان و هم‌سرنوشت میان کارگران و محیط زیست می‌پردازد. نویسنده استدلال می‌کند که در نظم سودمحور جهانی، هم کرامت کار انسانی نادیده گرفته شده و هم زمین به‌طور مستمر فرسوده می‌شود. با ترسیم پیوند میان بهره‌کشی از نیروی کار و تخریب طبیعت، هشدار داده می‌شود که بحران‌های معیشتی و زیست‌محیطی به هم پیوسته‌اند و راه‌حل جداگانه‌ای ندارند. در نمونه‌هایی از کارخانه‌های آلاینده، مزارع فرساینده و پروژه های توسعه‌ای مخرب، نشان داده می‌شود که انسان و زمین چگونه هم‌زمان قربانی می‌شوند. ریشه‌ی این وضعیت در ساختارهای ناعادلانه و بی‌تفاوتی نسبت به مسئولیت اجتماعی است که فقر و آلودگی را در هم تنیده‌اند. آگاهی و مسئولیت‌پذیری جمعی، کلید مقابله با این بحران های توأمان و تضمین آینده‌ای پاک و عادلانه برای همگان است. مقاله با تأکید بر ضرورت اتحاد و تغییر نگرش ها، یادآور می‌شود که شنیدن صدای کارگر و زمین، نخستین گام به‌سوی آگاهی، مسئولیت‌پذیری و تغییر است؛ و روز جهانی کارگر باید نه یک یادبود یک‌روزه، بلکه نقطه ی آغاز بیداری باشد.

صدای کارگر، صدای زمین؛
ندای بیداری در عصر ویرانی

مقدمه

در روز جهانی کارگر، جهان بار دیگر به یاد آورد که کار، نه تنها وسیله‌ای برای زیستن، بلکه تجلی‌گاه کرامت انسانی و سنگ‌بنای تمدن بشری است.

کارگران، ستون‌های جامعه‌اند؛ پایه‌هایی که بر دوش آن‌ها بنیاد و بنای اجتماع شکل می‌گیرد. آن‌ها ماهیتاً نیروهای حیات‌بخش و زندگی‌سازند – زمانی که کار به‌طور مسئولانه و با احترام به محیط زیست و کرامت انسانی انجام شود – زمین را آباد می‌کنند، شهرها را می‌سازند، و زندگی را به جریان می‌اندازند.

اما در جهانی که کار سودمحور جای کار مسئولانه را گرفته است، ارزش کار انسانی زیر سایه‌ی نگاه سودمحور محو شده است و زمین، بی‌وقفه به‌سوی فرسایش و نابودی رانده می‌شود. شهرها آلوده و فرسوده‌اند، و جریان زندگی، زیر فشار معضلات زیست‌محیطی و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، با درد و رنج و سختی به پیش می‌رود.

در این وضعیت، پرسش هایی جدی تر از همیشه پیش روی ماست:

- چه بر سر کرامت انسانی کارگر آمده است؟
- و بر زمینی که محل زیستن و کار کردن اوست، چه می‌گذرد؟
- آیا صدای کارگر و صدای زمین، همان‌طور که باید، شنیده می‌شوند؟

امروز، کارگران با دو بحران هم‌زمان دست‌به‌گریبان‌اند: بحران معیشت، و بحران محیط زیست. و در این میان، صدای آن‌ها یا نادیده گرفته می‌شود، یا آگاهانه خاموش می‌گردد.

روز جهانی کارگر، اگرچه فرصتی است برای یادآوری این حقیقت که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند پایدار و عادلانه باشد، مگر آن‌که هم به کارگران و ارزش انسانی کار، و هم به زمین و جایگاهش، احترام بگذارد، اما این یادآوری نباید به یک روز در تقویم محدود بماند.

تا زمانی که کارگران زیر بار بی‌عدالتی، ناامنی شغلی و بهره‌کشی خم می شوند، و تا وقتی که زمین در سکوت و بی توجهی فرومی پاشد، این یادآوری باید به ندای پیوسته‌ی بیداری بدل شود – ندایی که نه خاموش شود، و نه هرگز فراموش گردد.

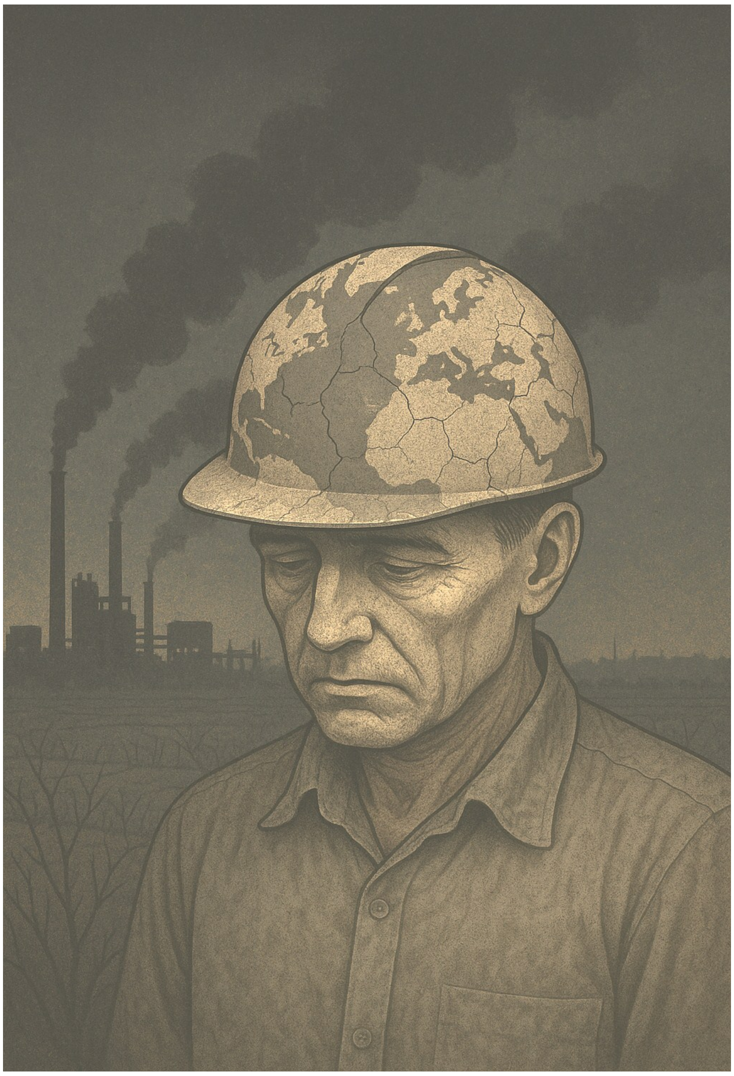

پیوند دردها؛ بهره‌کشی از کارگر و زمین در چرخه‌ی سود

در عصر ویرانی، جایی که کارگران و زمین زیر چرخ‌های سنگین سودآوری فرسوده می‌شوند، پیوندی پنهان اما پرمعنا میان درد کارگر و زخم‌های زمین شکل گرفته است. این پیوند، نه تنها استعاری یا نمادین، بلکه واقعی و روزمره است؛ وضعیتی مشترک از بهره‌کشی، فرسایش و نابودی که کارگر و زمین را به شکلی هم‌زمان و بی‌وقفه گرفتار کرده است.

این هم سرنوشتی کارگران و زمین، ریشه در نظمی دارد که انسان و طبیعت را نه به‌عنوان موجوداتی دارای کرامت و حق، بلکه به مثابه ابزارهایی برای تولید و سود می بینند. در چنین سیستمی، ارزش انسانی کارگر و ارزش زیستی زمین، به جای آن‌که ارج نهاده شود، به کالایی برای مصرف و بهره‌کشی مبدل شده است.

اکنون در بسیاری از نقاط جهان، کارگران در معادن، کارخانه‌ها، و در مزارع و پروژه‌های عمرانی کار می‌کنند؛ اغلب در شرایطی سخت، ناایمن، و با دستمزدی که کفاف یک زندگی انسانی را نمی‌دهد. این همان جهانی است که در آن کار، به‌جای آن که بسترساز کرامت باشد، به ابزار فرسایش جسم و جان تبدیل شده است.

از سوی دیگر، زمین نیز بی‌وقفه زیر فشار بهره‌کشی بی‌رویه قرار دارد. درختان قطع می‌شوند، خاک فرسوده می‌گردد، هوا و آب آلوده می شوند، و تنوع زیستی نابود می‌گردد - و در این میان، کارگران در خط مقدم این فرسایش ایستاده اند؛ هم خود آسیب می بینند، و هم شاهد و ناگزیر از مشارکت در آسیب زدن به زمین‌اند.

در هر کارخانه‌ی آلاینده، در هر مزرعه ی فرساینده، و در هر پروژه‌ی توسعه ای مخرب، صحنه‌ای آشکار از دو آسیبِ هم زمان و به‌هم‌پیوسته است: استثمار انسان و ویرانی زمین. به بیانی دیگر، صحنه‌ی جرم است؛ جایی که سود، به بهای جان کارگر و جان زمین به دست می‌آید.

در هر کارخانه ی آلاینده، در هر مزرعه‌ی فرساینده، و در هر پروژه‌ی توسعه‌ای مخرب، صحنه‌ای آشکار از دو آسیبِ هم‌زمان و به هم پیوسته است: استثمار انسان و ویرانی زمین. به بیانی دیگر، صحنه ی جرم است؛ جایی که سود، به بهای جان کارگر و جان زمین به دست می آید - زمینی که خود بنیاد و بستر زیست و سلامت انسان است. بی پروا از این که با گرفتن جان زمین، نه‌تنها جان انسان را می گیرند، بلکه چرخه‌ی حیات را نیز به فروپاشی می‌کشانند.

مردم جهان باید بدانند که کارخانه های آلاینده چه بر سر محیط‌زیست و کارگران می‌آورند. به‌عنوان مثال: گزارش‌هایی از جنوب آسیا وجود دارد که کارخانه های تولید پوشاک با رها کردن غیرمسئولانه ی فاضلاب های شیمیایی، رودخانه ها را به محل انباشت مرگ‌آور مواد شیمیایی تبدیل می کنند؛ رودهایی که روزی حیات می‌بخشیدند، اکنون به نماد آلودگی و مرگ بدل شده اند. در همین کارخانه ها، کارگران - اغلب زنان - با دستمزدی ناچیز، ساعت های کاری طولانی، و محیطی ناایمن، روزانه فرسوده می‌شوند.

مردم جهان باید بدانند مزارع فرساینده ی بزرگی که، مانند کارخانه‌های آلاینده، به خیال کسب حداکثر سود در گوشه‌وکنار جهان گسترش یافته‌اند. چگونه با استفاده‌ی گسترده از کودهای شیمیایی، آفت کش ها و سیستم های آبیاری نامناسب باعث فرسایش خاک، هدر رفت و آلودگی آب های زیرزمینی، سمی شدن هوا و محصولات و افت کیفیت مواد غذایی می شوند. مطالعات نشان می دهند که این شیوه های کشاورزی ناپایدار چگونه هم به محیط زیست و هم به کارگران کشاورزی و در مجموع به تمام انسان‌ها آسیب می‌زنند.

شیوه های کشاورزی ناپایدار، حتی در مقیاس کوچک هم، که گرچه ساده و بی اثر یا ظاهراً کم خطر و بی اهمیت به نظر می رسند، آسیب های جدی به سلامت کشاورزان و زمین وارد می کنند. در نظر بسیاری از کشاورزان، این شیوه سودآور جلوه می‌کند، حال آنکه این سود، تنها در کوتاه‌مدت حاصل می‌شود و در بلندمدت به کاهش بهره‌وری زمین و گسترش فقر منجر می‌گردد. همین مسئله ی تأثیر بلند مدت آن، بسیاری از کشاورزان را ناگزیر کرده است برای گریز از فقر و تأمین معیشت، به بهره برداری بیش‌از حد از زمین روی آورند؛ روندی که تاکنون پیامدی جز تخریب محیط زیست و آسیب انسان نداشته است. این پیامد، به ویژه در مناطق روستایی، بیش از پیش به فقر دامن زده، موجب مهاجرت گسترده‌ی جمعیت دهات به حاشیه‌ی شهرها شده و بسیاری را به سوی شغل‌های کاذب سوق داده است.

مردم جهان باید بدانند که پروژه های توسعه ای اما نتیجتا مخرب، چگونه سلامت زمین و ساکنانش را به خطر می‌اندازند. به عنوان مثال؛ استخراج نفت، اگرچه در بعضی مناطق جهان ثروت بزرگی برای شرکت های نفتی به همراه آورد، اما برای مردم محلی، چیزی جز آلودگی آب، نابودی زمین‌های کشاورزی و نابودی معیشت شان و مرگ تدریجی به همراه نداشت. کارگرانی که در این پروژه‌ها مشغول بودند، خود بخشی از چرخه ویرانگری شدند که زندگی و محیط‌شان را بلعید.

اینجاست که باید بدانیم:

- سرنوشت کارگران و زمین از هم جدا نیست.
- استثمار فرسوده‌کننده‌ی کارگر به فرسودگی و ویرانی زمین می‌انجامد؛ و ویرانی زمین، نابودی کارگر را در پی دارد.
- وقتی کرامت کارگر لگدمال می شود و استثمار به اوج می رسد، حرمت زمین نیز پایمال می شود و تاراجش بی رحمانه تر می گردد و هنگامی که زمین در پی تاراج و ویرانی نابود می‌شود، کارگر نیز دیگر نخواهد توانست زندگی یا کاری سالم و پایدار داشته باشد.

در جهانی که استثمارِ هم زمانِ کارگر و زمین در چرخه ی بی‌پایان سود هر روز بیشتر و عمیق‌تر می‌شود، بیش از هر زمان دیگری نیاز است که این هم‌سرنوشتی دیده، درک و به آن پاسخ داده شود. شاید تنها از دل این آگاهی است که بتوان راهی برای توقف این مسیر ویرانگر و بازگرداندن کرامت به انسان و زمین یافت.

آغاز مسئولیت: شنیدن صدای درد

درد مشترک کارگر و زمین، تنها هنگامی پایان می یابد که شنیده شود. پیش از هر اقدام، باید ایستاد و گوش سپرد - به صداهایی که در غوغای سود و شتاب روزافزون زندگی مدرن، هر کدام از نابرابری و نابودی حکایت دارند. اینک زمان آن است که صدای درد و رنج را جدی بگیریم؛ صدایی که نه تنها هشدار می‌دهد، بلکه امیدِ بیداری هم است.

جای تأسف و نگرانی بسیار است که در این نظام آلاینده، فرساینده و توسعه ای مخرب، که هر روز تلاش برای کسب حداکثر سود پرهیاهوتر و پرشتاب تر می شود، صدای کارگر و صدای زمین آگاهانه نادیده گرفته می‌شود؛ بی‌آن که توجه شود این هر دو صدا برای بقای زندگی بر این سیاره حیاتی‌اند.

کارگر با صدایش و با تن و جانش داد از بیداد می زند — با خستگی، با فرسودگی، و با چهره‌ای که هر روز از فروغ و امیدش کاسته می‌شود اگرچه آرام اما عمیق فریاد می‌زند.

زمین نیز با نشانه‌هایش فریاد و فغان دارد — با نشانه‌هایی چون خشکسالی، فرسایش، آب شدن یخچال های طبیعی و بالا آمدن سطح دریاها، با آتش و توفان و سیل های ویرانگر، و دیگر تغییرات اقلیمی. اغلب عاصی و تند می جنبد و فریاد می زند و می‌خواهد کمر از زیر فشار این بار سنگین ویرانگری برهاند.

برای آنکه این صداها و نشانه ها شنیده و دیده شوند، نیاز به گوش‌هایی است که بشنوند و چشم‌هایی که ببینند، و زبان‌هایی که بگویند. و اگر این دو صدا ناشنیده بمانند، جهان، به‌رغم تمام پیشرفت هایش، به سوی فروپاشی و نابودی پیش خواهد رفت.

شنیدن، اولین گام مسئول بودن است.

گوش سپردن به صدای کارگر، یعنی پذیرش شأن انسان.

درک صدای زمین، یعنی پذیرش مسئولیت ما در برابر آینده.

از شنیدن صدای درد به درک وضعیت اضطراری

در روز جهانی کارگر، وقتی به صداهای حاکی از درد و رنج گوش سپردیم، آن‌چه شنیدیم تنها ناله‌های فردی یا صنفی نبود؛ پژواکی بود از بحرانی عمیق و مشترک که ریشه در ساختارهای نابرابر و سودمحور دارد. این صداها، ما را نه‌فقط به همدلی، بلکه به درکی ژرف تر از وضعیتی اضطراری فراخواند؛ وضعیتی که کارگر را فرسوده و زمین را زخمی کرده است. اکنون زمان آن رسیده که پس از شنیدن، بفهمیم، و پس از فهمیدن، با مسئولیت پاسخ دهیم.

ما فهمیدیم که سیستم آلاینده، فرساینده و توسعه‌ای مخرب، با نشنیدن صدای کارگر و ندیدن نشانه های زمین، جهانی سرشار از هیاهوی مصرف، رقابت و سودجویی مبتنی بر خشونت و جنگ برای ما ساخته است، و به این نتیجه رسیدیم که اگر جهان بر همین منوال به پیش برود دیری نخواهد ماند.

با درک وضعیت اضطراری و به صدا درآوردن آژیر خطر در هر اجتماع و جامعه‌ای، باید جهان را به مسئولیت فراخواند. اگر این فراخوان به مسئولیت بی‌پاسخ بماند و جهان همچنان چشم خود را بر این دردها ببندد، آینده ای تاریک‌تر در انتظار ما خواهد بود.

وضعیت کارگران که در معادن، کارخانه‌ها، مزارع و پروژه‌ها با حقوق بسیار کم و عدم برخورداری از کمترین و ابتدائی ترین امکانات در معرض استثمار و ناایمنی شدید قرار دارند و در این روند جانفرسا با سرعت فرسوده می شوند و وضعیت زمین که هم‌اکنون با نشانه های بسیار فراوان و تکاندهنده از فرسایش و آلودگی، از تنگی نفس جنگل ها، خشکی رودها؛ از انقراض گونه‌ها و گرم شدن هوا با بی‌زبانی فریاد می‌زند. ما را به درکی عمیق از دو وضعیت اضطراری کارگران و زمین رسانده است. این آژیر خطر و هشداری به همه‌ی ماست.

با درک وضعیت اضطراری و به صدا درآوردن آژیر خطر در هر اجتماع و جامعه‌ای، باید جهان را به مسئولیت فراخواند. اگر این فراخوان به مسئولیت بی‌پاسخ بماند و جهان همچنان چشم خود را بر این دردها ببندد، آینده‌ای تاریک‌تر در انتظار ما خواهد بود.

نادیده گرفتن درد های کارگر و زمین، نادیده گرفتن انسانیت و آینده ی مشترک ماست. زیرا کارگر و زمین هر دو ستون های زندگی‌اند: یکی نیرویی که جامعه را در حرکت نگه داشته است و دیگری بستری که ما را در بر گرفته است. نشنیدن این صداها، آغاز سقوط ماست. درک و فهم این صداها، فقط نشانه ای از همدلی یا اخلاق نیست؛ بلکه ضرورتی‌ست برای بقا، برای حفظ کرامت انسانی، برای نجات زمین، و برای تضمین آینده‌ای که در آن هم انسان و هم طبیعت بتوانند در کنار هم نفس بکشند.

کارگر و زمین، هر دو امروز در وضعیت اضطراری اند. یکی با دستان پینه‌بسته، در جستجوی کرامت گم‌شده، و دیگری با تن زخمی، در انتظار التیامی که از انسان فقط می‌خواهد که انسان باشد. این سرنوشت، تغییر ناپذیر نیست، بلکه تغییر پذیر است. زیرا سرنوشت را می توان بازنوشت، اگر که ما، به مثابه ی انسان هایی مسئول، مسیر درستی را برگزینیم و آن را با آگاهی و مسئولیت‌پذیری طی کنیم و برای تغییر به سرانجام برسانیم.

از درک وضعیت اضطراری تا کنش مسئولانه برای دگرگونی

در جهانی که نشانه‌های هشداردهنده در همه‌جا دیده می‌شود - از فرسایش خاک و گرمایش زمین گرفته تا استثمار نیروی کار و گسترش نابرابری - نمی‌توان بی‌تفاوت ماند. وضعیت اضطراری است. امروز بیش از هر زمان دیگری، به درک عمیق این وضعیت نیاز داریم؛ درکی که ما را نه به ترس و انفعال، بلکه به پذیرش مسئولیت و گذار به کنش آگاهانه برای دگرگونی سوق دهد.

بر این اساس، به‌منظور گذار به کنش آگاهانه جهت دگرگونی یعنی برای آینده‌ای که در آن کارگر با کرامت زندگی کند و زمین با آزادی و طراوت نفس بکشد باید به مفاهیم بنیادی آگاهی، همبستگی، عدالت و پایداری بازگردیم. این‌ها واژه‌هایی ساده‌اند، اما در عمل، کلید ساختن دنیایی‌اند که در آن کار به جای استثمار، بسترساز کرامت است و زمین به‌جای عرصه‌ی تاراج، منبع زندگی پایدار می‌شود.

این مفاهیم بنیادی به ما می‌گویند که برای جهانی که در آن هم کرامت کارگر حفظ شود و هم زمین منبع زندگی پایدار بماند، باید به مسئولیت فردی و اجتماعی خود عمل کنیم تا جامعه‌های مسئول شکل بگیرند. برای این منظور، نخستین گام، آگاهی است؛ آگاهی یعنی درک روابط درونی و بیرونی پدیده‌ها و دانستن آن‌چه در پیرامون و درون ما می‌گذرد، همراه با درک عمیق آن‌چه هست و آن‌چه باید باشد. چنین آگاهی‌ای، از فهم زیست انسانی و زیست طبیعی و پیوند متقابل آن ها آغاز می‌شود؛ سپس با پذیرش مسئولیت، انسان را به‌سوی همبستگی می کشاند. آن گاه است که صداها، هرچند کوچک، می توانند پژواک بزرگی در جهان داشته باشند. ما باید صدای آنهایی را که روز به روز فرسوده می‌شوند؛ صدای کارگران را، بشنویم، صدایی که از استثمار، از تبعیض و از نابرابری حکایت دارد. و باید به صدای زمین نیز گوش بدهیم؛ به صدای جنگل های پژمرده، به صدای رودهای خشکیده، به صدای خاکِ فرسوده، به صدای سیل و طوفان و آتشی که در هر گوشه، بر جان زمین و ساکنانش افتیده، و به عبارتی دیگر، از درک نشانه های زمینی که هر روز زخم های بیشتری بر پیکر خود می بیند صدای شکاف های عمیقی را بشنویم که در بستر این سیاره نفس انسان و طبیعت را بریده است.

وقتی که از آگاهی صحبت می کنیم بنابر تعریفی که از آن ارائه دادیم منظورمان تنها بسنده کردن به شنیدن صدا و فهمیدن وضع موجود نیست. بلکه فهمیدن وضع مطلوب هم هست. یعنی آگاهی از این که در چه وضعیت و شرایطی بسر می بریم و چه وضعیت و شرایطی برای ما مطلوب است و آن را می‌خواهیم. در این صورت است که آگاهی ما کامل می شود و می دانیم که از کجا به کجا می خواهیم برویم. اگر بدانیم که در کجا قرار داریم و ندانیم که به کجا باید برویم، آگاهی ما ناقص خواهد بود و این آگاهی دردی را از ما درمان نخواهد کرد.

گام بعدی اینست که این آگاهی را به کنش مسئولانه فردی وکنش مسئولانه‌ی فردی را به کنش مسئولانه‌ی اجتماعی، یعنی به همبستگی برای تغییر تبدیل کنیم.

مسئله بسیار ساده است. تغییر از جایی آغاز می‌شود که انسان تصمیم می‌گیرد صرفاً ناظر نباشد و مسئولانه رفتار نماید. این به مفهوم کنش مسئولانه ی فردی است. یعنی این که هرکس در زندگی روزمره‌اش طوری رفتار کند که به دیگران، محیط اطراف و جامعه آسیبی نرساند و تا حد توان، در بهتر شدن شرایط کمک کند. این می‌تواند کارهای ساده‌ای باشد مثل صرفه‌جویی در مصرف، رعایت حقوق دیگران، مراقبت از محیط زیست یا حتی داشتن رفتارهای همدلانه و آگاهانه در برخورد با مسائل اجتماعی.

برای اینکه کنش مسئولانه ی فردی به کنش مسئولانه‌ی اجتماعی تبدیل شود، باید با دیگران درباره ی دغدغه هایمان گفت‌وگو کنیم، تجربه هایمان را به اشتراک بگذاریم و با کسانی که نگاه مشابهی دارند گروه یا شبکه بسازیم. وقتی آدم‌ها با هم همراه شوند، از هم یاد بگیرند و کارهای کوچک را با هم انجام دهند، کم‌کم حرکت جمعی شکل می‌گیرد و اثرگذارتر می‌شود.

هر تصمیم روزمره، از انتخاب لباس گرفته تا غذا و الگوی مصرف انرژی، می‌تواند پژواکی باشد از همدلی یا بی‌تفاوتی ما. هر کنش آگاهانه، هر بیان سنجیده‌ی نگرانی، و هر گفت‌وگوی همدلانه، سنگ ریزه ای ست در مسیر ساخت جهانی متفاوت که امروز، بیش از هر زمان دیگری، ضرورت آن احساس می‌شود.

کارگر و زمین، هر دو منتظر پاسخ ما هستند. نه فقط با سیاست‌گذاری‌های بزرگ و جهانی، بلکه با تصمیم‌های کوچک و انسانی. با پرسش از خود که: آیا زندگی من، مصرف من، سکوت من، لطمه‌ای بر انسان دیگری و یا زمین می‌زند و یا نه؟

کارگر و زمین، نه منابعی برای بهره‌کشی، بلکه دو ستون حیاتی برای ساخت جهانی انسانی و پایدارند. اگر صدای آنان را بشنویم و مسئولیت خود را در برابرشان بپذیریم، می‌توانیم آینده‌ای را تصور کنیم که در آن کرامت انسانی و سلامت سیاره‌مان، هر دو پاس داشته می‌شوند. آینده‌ای که شاید هنوز دور باشد، اما از همین امروز، از همین تصمیم‌های کوچک ما آغاز می‌شود.

در جهانی که سکوت بر دردهای کارگر و زخم‌های زمین سایه انداخته، همانطور که گفته شد شنیدن صدا (آگاهی) شاید نخستین گام برای درمان باشد. شنیدن صدای کارگر، که در کارخانه های آلاینده، در مزرعه های فرساینده و پروژه های توسعه‌ای مخرب هر روز زنده می‌شود و می‌میرد به معنای آگاهی از وضعیت کارگر است. و شنیدن صدای زمین، که چنین آشکار در جای‌جای زمین بلند شده است. آگاهی از وضعیت زمین است. ما نمی‌توانیم خود را از این صداها جدا بدانیم. این‌ها پژواک زندگی‌اند؛ نشنیدن و ندیدن و سرکوب این صداها ما را در سکوتی عمدی و بی معنا فرو خواهد برد و ما را از درون خواهد پوساند! آنگاه‌ست که همه‌چیز فرو خواهد ریخت.

اما هنوز دیر نشده است. راهی برای شنیدن، راهی برای رساندن صدا هست. کارگر و زمین، هر دو، سزاوار شنیده شدن‌اند. سزاوار پاسداری‌اند. و ما، اگر هنوز خود را انسان می‌دانیم، باید پاسدار این صداها باشیم. تا زمانی که شنیدن ممکن است، فریاد خاموشِ آنان را زنده نگاه داریم. و گام‌هایی در بهبود شرایط‌شان برداریم. برای این منظور ما باید:

بطور جمعی از سیاست‌ها و برنامه‌هایی حمایت کنیم که:

حقوق کارگران را به رسمیت بشناسد، امنیت شغلی و محیط کار سالم را تضمین کند و کرامت انسانی را در دل نظام های اقتصادی بازتعریف نماید.

از زمین محافظت کند؛ با ترویج شیوه‌های پایدار تولید، کشاورزی و صنعتی، بهره‌کشی بی‌رویه از منابع طبیعی را متوقف کرده و حیات سیاره را احیا کند.

این شاید حداقل کاری‌ست که از دست‌مان برمی‌آید - و شاید همین، آغاز همه‌چیز باشد.

اگرچه ما حداکثر کاری که باید انجام دهیم اینست که به تغییر بنیادی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی بیندیشیم و عمل کنیم؛ تغییر از سودمحوری کور به سوی مسئولیت محوری آگاهانه. زیرا کارگر و زمین، نباید به عنوان ابزار تولید یا منابع مصرفی، بلکه به عنوان ارزش های بنیادی زندگی دیده شوند؛ ارزش‌هایی که پاسداری از آن‌ها، پاسداری از خود ماست.

در جهانی که بحران‌های زیست‌محیطی و نابرابری‌های اجتماعی زندگی را تهدید می کنند، تنها راه بقا، همبستگی آگاهانه و اقدام جمعی است:

گوش سپردن به صدای کارگر، درک صدای زمین، و حرکت به سوی دنیایی که در آن انسان و طبیعت، نه قربانی، که همیار یکدیگر باشند. و چنین است که به عدالت و پایداری می‌رسیم.

کلام آخر

کارگر و زمین، که بار این جهان ایستاده بر مصرف را بر دوش می کشند، امروز بیش از هر زمان دیگری زیر فشار بی‌عدالتی و استثمار شدید قرار دارند. در نظمی که تولید بی‌وقفه و مصرف بی مهار را ارزش می پندارد، نیروی انسانی همچون ابزاری فرسوده می‌شود و زمین، چون انباری پایان‌ناپذیر از مواد خام، بی وقفه غارت می گردد. اما این مسیر، به پرتگاهی نزدیک می شود؛ پرتگاهی مشترک برای انسان و طبیعت. اگر امروز صدای اعتراض کارگر و هشدار زمین را نشنویم، فردایی باقی نخواهد ماند که در آن بتوان جبران کرد. ما با هر لحظه ی بی‌تفاوتی، به تداوم چرخه استثمار و ویرانی یاری می‌رسانیم. این لحظه، یک هشدار است - دعوتی برای ایستادگی در برابر نظمی که کرامت انسان و حیات زمین را قربانی سود می سازد. اگر برخیزیم، شاید هنوز فرصتی برای بازگشت باقی مانده باشد.

اکنون، در آستانه‌ی انتخابی تاریخی ایستاده‌ایم. آیا ما همچنان به تماشای ویرانی خواهیم نشست، یا از این لحظه برای تغییر استفاده خواهیم کرد؟

...باید به مسئولیت فردی و اجتماعی خود عمل کنیم تا جامعه های مسئول شکل بگیرند. برای این منظور، نخستین گام، آگاهی است؛ آگاهی یعنی درک روابط درونی و بیرونی پدیده‌ها و دانستن آن‌چه در پیرامون و درون ما می‌گذرد، همراه با درک عمیق آن‌چه هست و آن‌چه باید باشد. چنین آگاهی‌ای، از فهم زیست انسانی و زیست طبیعی و پیوند متقابل آن‌ها آغاز می‌شود؛ سپس با پذیرش مسئولیت، انسان را به‌سوی همبستگی می‌کشاند. آن‌گاه است که صداها، هرچند کوچک، می‌توانند پژواک بزرگی در جهان داشته باشند.

برای اینکه کنش مسئولانه‌ی فردی به کنش مسئولانه‌ی اجتماعی تبدیل شود، باید با دیگران درباره‌ی دغدغه‌هایمان گفت‌وگو کنیم، تجربه‌هایمان را به اشتراک بگذاریم و با کسانی که نگاه مشابهی دارند گروه یا شبکه بسازیم. وقتی آدم‌ها با هم همراه شوند، از هم یاد بگیرند و کارهای کوچک را با هم انجام دهند، کم‌کم حرکت جمعی شکل می‌گیرد و اثرگذارتر می‌شود.

Risto Olavi Rasa (born April 29, 1954 in Helsinki) is a Finnish poet. He writes short nature poems. He is a [former] librarian in Somero.

Source: Wikipedia

ریستو الاوی راسا (متولد ۲۹ آوریل ۱۹۵۴ در هلسینکی) شاعر فنلاندی است. او شعرهای کوتاهی درباره طبیعت می‌نویسد. راسا کتابدار [سابق] شهر سومرو است.

منبع: ویکی‌پدیا

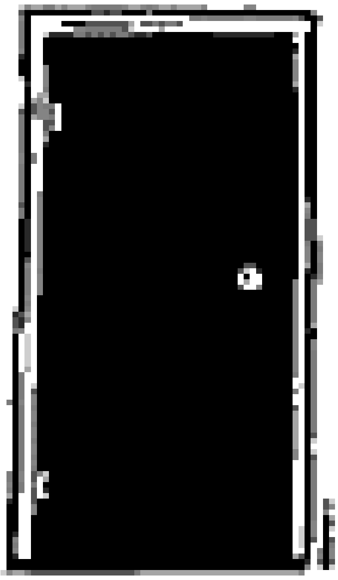

Hän oli hyvin yksinäinen,

tilasi lehden

jotta joku kävisi hänen ovellaan.

او بسیار تنها بود،
روزنامه سفارش داد
تا شاید کسی درِ خانه‌اش را بزند.

- ریستو راسا -

ترجمه: مسائل سیاره ما

He was very lonely,
Ordered the paper
So that someone would come to his door.

- Risto Rasa -

Translated by: Anniina Jokinen

Kun pieni lapsi nukkuu,
se täyttää yhden kokonaisen huoneen.

-Risto Rasa-

کودک کوچکی که خوابیده

تمام اتاق را پر می‌کند.

- ریستو راسا ـ

ترجمه: مسائل سیاره ما

A small child sleeping
Fills an entire room.

- Risto Rasa -

Translated by: Anniina Jokinen

On aamu.
Parvekkeen kaiteelta hyppää varpunen
keittiön ikkunan alle tutkimaan,
onko äiti ravistanut pöytäliinan.

صبح است.
گنجشکی از نرده‌های بالکن می‌پرد
زیر پنجره آشپزخانه تا ببیند
که مادر سفره را تکان داده است.

- ریستو راسا -

ترجمه: مسائل سیاره ما

It is morning.
From the balcony railing a sparrow hops
Below the kitchen window to investigate
Whether mother has shaken the tablecloth.

- Risto Rasa -

Translated by: Anniina Jokinen

Niin kuin aalto uittaa aallon
yli valtameren,
niin selviydymme mekin
toinen toisiamme tukien.

همان‌گونه که موجی موجِ دیگر را می‌برد
بر پهنه اقیانوس،
ما نیز، چنین، زنده می‌مانیم،
یکی پشتیبانِ دیگری.

ریستو راسا ـ

ترجمه: مسائل سیاره ما

Just as one wave carries another wave
Across the ocean,
So we, too, survive
One supporting the other.

- Risto Rasa -

Translated by: Anniina Jokinen

Olen kuin vanha talo.
Jos lakkaat lämmittämästä minua, rapistun.

-Risto Rasa-

من مانند خانه‌ای قدیمی‌ام؛
اگر دیگر گرمم نکنی، خراب خواهم شد.

ریستو راسا ـ

ترجمه: مسائل سیاره ما

I am like an old house,
If you stop heating me, I will deteriorate.

- Risto Rasa -

Translated by: Anniina Jokinen

Lennart Sjögren was born in the village of Böda on the Swedish island of Öland in the Baltic and to this very day lives on the former farm of his parents, down by the shore. During the 1950s, he studied for a while at the Gothenburg Academy of Art, where he met his wife, the artist Eva Forsberg, who has illustrated much of his work. In 1959, he made his debut as a poet. Apart from poetry, Sjögren has also written short stories. Although he has never regarded himself as a real artist, Sjögren nevertheless has a typical painter's eye. His poems are full of compact, 'seen' images.

Source: [Poetry International]

لِنارت شوگرن در روستای بُدا، واقع در جزیره‌ی اولاند سوئد در دریای بالتیک، به دنیا آمد و تا به امروز در همان مزرعه ی پدری‌اش، نزدیک ساحل، زندگی می‌کند. در دهه‌ی ۱۹۵۰، مدتی در آکادمی هنر گوتنبرگ تحصیل کرد؛ جایی که با همسرش، هنرمند اِوا فُرسبرگ، آشنا شد؛ کسی که بسیاری از آثار او را تصویرسازی کرده است. در سال ۱۹۵۹، او نخستین بار به‌عنوان شاعر وارد عرصه شد. افزون بر شعر، شوگرن داستان‌های کوتاهی نیز نوشته است. با آن‌که هرگز خود را یک هنرمند واقعی ندانسته، اما نگاهش ویژگی‌های خاص یک نقاش را دارد. شعرهای او سرشار از تصاویر فشرده و دیده‌شده‌اند.

ترجمه: مسائل سیاره ما

(Swedish) سوئدی

LÄRODIKT OM NATUREN

Vill du verkligen lära känna naturen
och naturens hemligheter
gå då inte till skogstjärnen

men skrapa med handen mot ett reveterat hus
i vilken stad som helst
och känn sanden under naglarna

ryser du då inte
när du bränns av öknens eld.

© 2001, Lennart Sjögren
From: Sent, tidigt
Publisher: Albert Bonniers, Stockholm

(Persian) فارسی

شعر آموزشی درباره‌ی طبیعت

اگر واقعاً می‌خواهی طبیعت را بشناسی
و از رازهای نهفته‌اش سر درآوری،
به سراغ برکه‌ی خاموشِ جنگل مرو.

بلکه با پنجه‌هایت دیوار زبرِ خانه‌ای را بخراش
در هر آبادی‌ای که باشد،
و دانه‌های شن را زیر ناخن‌هایت حس کن.

آیا آنگاه نمی‌لرزی
همانطور که از آتش بیابان سوخته‌ای.

شاعر: لنارت شوگرن (Lennart Sjögren)
منبع: Poetry International (شعر بین‌الملل)
ترجمه‌ی فارسی: مجله‌ی مسائل سیاره ما

(English) انگلیسی

DIDACTIC POEM ABOUT NATURE

If you really want to get to know nature
and nature's secrets
don't go to the tarn in the forest

but scrape your hand against a roughcast house
in any town at all
and feel the sand beneath your nails

don't you shiver then
as you're burned by the desert's fire.

© Translation: 2007, David McDuff

Source: Poetry International

(Swedish) سوئدی

HARMÄNNISKAN

Allt oftare tänker jag på hararna
hur de flyr över fälten

och när jag tänker på hararna
tänker jag också på människorna
hur de flyr över fälten.

När plågan når dem
skriker de gällt och är däri lika,
men människa jagar människa
och är däri olik haren.

Jag som är harmänniska och människohare
jag vittnar endast om det jag själv sett
men dessutom har jag
i viss mån en oklar tro:

jag tror på harens utstående ögon
jag tror på harens bakben
som också är människans.

© 2007, Lennart Sjögren
From: Ur människovärlden
Publisher: Albert Bonniers, Stockholm

(English) انگلیسی

THE HARE-MAN

Ever more often I think of the hares
how they fly across the fields

and when I think of the hares
I also think of the human beings
how they fly across the fields.

When pain reaches them
they cry shrilly and are similar in that,
but humans hunt humans
and in that are unlike the hare.

I who am hare-man and man-hare
I bear witness only to what I myself have seen
But in addition I have
a kind of clouded faith:

I believe in the hare's protruding eyes
I believe in the hare's hind-legs
which are also those of man.

© Translation: 2007, David McDuff
Source: Poetry International

(Persian) فارسی

خرگوش‌انسان

بیش از پیش به خرگوش‌ها می‌اندیشم
که چگونه از میان دشت‌ها می‌گریزند.

و وقتی به خرگوش‌ها می‌اندیشم
به آدمیان نیز فکر می‌کنم
که چگونه از میان دشت‌ها می‌گریزند.

وقتی درد به آن‌ها می‌رسد،
فریادی گوش‌خراش سر می‌دهند،
در این، شبیه هم‌اند،
اما آدمی، آدمی را شکار می‌کند،
و در این، از خرگوش متمایزند.

من که هم خرگوش‌انسانم و هم انسان‌خرگوش،
تنها از آنچه خود دیده‌ام شهادت می‌دهم،
اما در کنار این
گونه‌ای باور مبهم نیز دارم:
باور دارم به چشم‌های برآمده‌ی خرگوش،
باور دارم به پاهای عقبی‌اش،
که در عین حال پاهای انسان‌اند.

شاعر: لنارت شوگرن (Lennart Sjögren)
منبع: Poetry International (شعر بین‌الملل)
ترجمه‌ی فارسی: مجله‌ی مسائل سیاره ما

مانیفست مجله "مسائل سیاره ما"

مقدمه

ما در سیاره ی بی‌نظیری زندگی می‌کنیم که هر گوشه از آن، از دریاهای عمیق گرفته تا قله های بلند، از جنگل های سبز تا بیابان های خشک، نشانی از زندگی است. اما این سیاره، خانه‌مان، هم‌اکنون در معرض تهدیدهای جدی است. تغییرات اقلیمی، آلودگی، نابودی زیستگاه ها، بهره برداری نامناسب و بی رویه از منابع طبیعی؛ همه نشانه های بحران هایی اند که به سرعت در حال رشد هستند. این تهدیدهای شدیدا در حال رشد زندگی ما و نسل‌های آینده‌ی ما را به خطر انداخته‌اند.

این بحران ها نه تنها ناشی از تغییرات طبیعی هستند، بلکه ریشه در مسائل اقتصادی و اجتماعی عمیقی دارند که در دنیای امروز با آن ها مواجهیم. مسئله هایی همچون نابرابری اقتصادی که باعث سوءاستفاده از منابع طبیعی توسط اقشار ثروتمند و نیازمند شده است. نظام های اقتصادی ناپایدار و رشد سریع جمعیت که تقاضا برای منابع را افزایش داده و بهره برداری بی رویه را تشدید کرده اند. و همچنین، سیاست های ضعیف زیست محیطی و وابستگی به سوخت های فسیلی که موجب آلودگی و تغییرات اقلیمی شده است. در کنار این ها، مسئله ی کمبود آگاهی عمومی در خصوص اثرات بلندمدت این مسائل، ادامه‌ی روند تخریب را تسریع کرده است.

در نتیجه، جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، سرشار از نابرابری، آلودگی، فقر و بی مسئولیتی است. اما ما باور داریم که این وضعیت قابل تغییر است.

چشم‌انداز

جهانی عادلانه و پایدار که در آن هر کسی مسئول سلامت سیاره و ساکنان آن باشد.

مأموریت

افزایش آگاهی و ترویج مسئولیت پذیری برای سیاره و تمام موجودات.

اصول بنیادین ما

۱. **آگاهی**، ما معتقدیم که درک عمیق مسائل زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی، نخستین گام به‌سوی تغییر پایدار است. آگاهی، پایه و اساس تصمیم‌گیری مسئولانه و اقدام مؤثر برای ساختن جهانی بهتر است.

۲. **مسئولیت‌پذیری**، ما بر این باوریم که هر فرد، هر جامعه و هر نسل باید نسبت به سیاره و ساکنان آن مسئول باشد. تغییر از هر یک از ما آغاز می‌شود و حتی اقدامات کوچک می‌توانند تأثیر زیادی بر آینده داشته باشند.

۳. **تغییر**، ما تغییر را نه یک رویا، بلکه یک ضرورت می‌دانیم. برای ساختن جهانی عادلانه، پاک و پایدار، باید در نگرش ها، سبک زندگی و سیاست های خود بازنگری کنیم و با اقداماتی آگاهانه، آینده‌ای بهتر را رقم بزنیم.

ارزش‌های ما

۱. عدالت: ما به جهانی باور داریم که در آن منابع به‌صورت منصفانه توزیع می‌شوند، فرصت‌ها برابرند و همه افراد حق دارند در محیطی سالم و پایدار زندگی کنند. عدالت اجتماعی و زیست‌محیطی، پایه و اساس جهانی پایدار است.

۲. پایداری: حفظ منابع طبیعی و کاهش اثرات منفی فعالیت های انسانی بر محیط زیست، تنها راه حفظ تعادل اکولوژیکی و تضمین بقای نسل‌های آینده است. ما به توسعه‌ای پایدار می اندیشیم که، در عین پیشرفت، از سیاره ی ما نیز محافظت کند.

۳. همکاری و همبستگی: تغییرات بزرگ تنها زمانی ممکن است که همه در کنار هم گام برداریم. ما به قدرت همکاری میان افراد، جوامع، سازمان ها و نهادهای جهانی باور داریم و برای ایجاد اتحاد در راستای اهداف مشترک تلاش می‌کنیم.

۴. صداقت و شفافیت: در مسیر آگاهی بخشی و تغییر، پایبندی به حقیقت، صداقت در ارائه اطلاعات و شفافیت در عملکرد، اصول اساسی ما هستند. ما به خوانندگان خود احترام می‌گذاریم و با ارائه‌ی حقایق، به آنها در تصمیم‌گیری آگاهانه کمک می‌کنیم.

۵. راه‌حل‌محوری: علاوه بر پرداختن به مشکلات، ما ابتکارات جهانی برای مقابله با چالش‌های جهانی را معرفی کرده و از آن‌ها حمایت می کنیم. هدف ما افزایش آگاهی و الهام‌بخشی برای اقدام عملی از طریق به اشتراک‌گذاری راه‌حل‌هایی است که به حفاظت از سیاره و بهبود جوامع انسانی کمک می‌کنند و بر این باوریم که این ابتکارات می توانند به تغییرات مثبت و معنادار منجر شوند.

۶. تعهد به نسل‌های آینده: هر تصمیم و اقدامی که امروز انجام می‌دهیم، بر زندگی نسل‌های آینده اثر خواهد گذاشت. ما متعهدیم که دنیایی بهتر، پایدارتر و عادلانه‌تر را برای آیندگان به یادگار بگذاریم.

۷. استقلال فکری و انتقادی: ما به تفکر مستقل، تحلیل عمیق و نقد آگاهانه ارزش می دهیم. تشویق به پرسش گری، جستجوی حقیقت و مقابله با نادیده گرفتن مشکلات از اصول بنیادین ما در مسیر آگاهی و تغییر است.

ما به ارزش هایمان متعهد هستیم و با اتکا به آن ها به عنوان اصول هدایت‌کننده، به پیش می‌رویم.

اهداف ما

- افزایش آگاهی درباره چالش‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی.
- تقویت مسئولیت‌پذیری فردی و جمعی برای تغییر مثبت.
- توانمندسازی مردم برای مشارکت در راه‌حل‌های پایدار.
- ترویج سیاستها و شیوه های عادلانه و سازگار با محیطزیست.
- جلب همکاری جهانی برای حفظ سیاره و بهبود زندگی.

روش‌های ما

- انتشار مقالات، گزارش ها و تحلیل های علمی، اقتصادی و اجتماعی.
- ترویج گفت‌وگو و آگاهی‌بخشی.
- حمایت از پروژه‌های زیست‌محیطی و عدالت‌محور.
- ترغیب کسب وکارها و سازمان ها به مسئولیت پذیری و پایبندی به اصول پایداری.
- زمینه‌سازی برای همکاری و اقدام جمعی در راستای تغییر.

مجله‌ی "مسائل سیاره ما"

این مجله با هدف کمک به جنبش جهانی برای تغییر منتشر می‌شود. "مسائل سیاره ما" صرفا یک مجله نیست؛ یک صدا، یک حرکت و یک تعهد است. ما برای ایجاد آگاهی، تقویت مسئولیت پذیری و تشویق به تغییر گام برمی‌داریم. ما با انتشار مقالات، تحلیل ها و گزارش هایی که واقعیت های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را بیان می کنند، تلاش می کنیم تا خوانندگان خود را به تفکر، پرسش گری و اقدام ترغیب کنیم.

شعار ما

آگاهی، مسئولیت‌پذیری، تغییر!

دعوت به همکاری و حمایت

ما به جهانی عادلانه، پاک و پایدار، و بدون فقر باور داریم. جهانی که در آن هر فرد، هر جامعه و هر نسل نسبت به خود، دیگران و زمین مسئول است. این یک رؤیا نیست؛ این یک ضرورت است. ما این مسیر را با آگاهی آغاز می کنیم، با مسئولیت‌پذیری ادامه می‌دهیم و می رویم که در کنار هزاران تن دیگر از سراسر جهان با تغییر به سرانجام برسانیم.

اگر شما هم دغدغه‌ی حفظ کره‌ی زمین را دارید، اگر به آینده‌ی نسل‌های بعدی می‌اندیشید، اگر می‌خواهید برای جهانی عادلانه، پاک و پایدار و بدون فقر تلاش کنید، با همکاری و حمایت‌تان، ما را در این مسیر همراهی کنید.

ما باور داریم که هرچه تعداد ما (که بی شماریم) در جنبش جهانی برای تغییر بیشتر شود، تأثیر و دامنه ی جنبش بیشتر خواهد شد. بنابراین، زمانی که فردی این مسیر را انتخاب کرده و صدای جدیدی به آن اضافه می کند، جنبش جهانی قدرت بیشتری برای حرکت به سوی دنیای بهتر پیدا می کند.

برای ایجاد تغییرات در سطح محلی و جهانی، ما نه تنها به همراهی افراد بلکه به حمایت سازمان ها، نهادهای آموزشی، شرکت های مسئولیت پذیر و شخصیت های تأثیرگذار نیز نیاز داریم. شما می‌توانید با پشتیبانی از مجله‌ی مسائل سیاره ما در ترویج آگاهی، پیشبرد پروژه های زیست محیطی، حمایت از سیاست های عادلانه و مشارکت در برنامه های تغییر اجتماعی نقش مؤثری ایفا کنید. اگر شما نماینده‌ی یک سازمان، دانشگاه، یا کسب‌وکاری هستید که دغدغه‌ی سیاره و ساکنان آن و آینده را دارد، از ما حمایت کنید.

ما با تصمیم و عمل آگاهانه خود به هزاران نفر در سراسر جهان پیوسته ایم تا سهم خود را در ایجاد دنیایی بهتر برای همه ایفا کنیم. دنیایی که در آن عدالت، پایداری و مسئولیت پذیری در عمل تحقق یابند. بیایید این سفر را با هم ادامه دهیم و برای ساختن دنیایی عادلانه، پاک و پایدار گام برداریم. هر قدمی که برمی‌داریم و هر تصمیمی که می گیریم، می تواند تأثیری بزرگ داشته باشد. بیایید متحد شویم، زیرا تنها با هم می‌توانیم دنیای بهتری بسازیم. تغییر در دستان ماست و آینده ای روشن در انتظار ما!

ourplanetissues.blogspot.com
ourplanetissues@gmail.com

Be Part of the Global Movement for Change!

Dear Honorable Readers,

Thank you for being a reader of the Our Planet ISSUES global magazine! Your attention and interest in this magazine are truly valuable to us, and we believe that together, we can create real change.

Your voice matters! We invite you to share your thoughts, experiences, and creativity with us and play a role in shaping the next issue of Our Planet ISSUES. Every contribution, no matter how small, can be the spark for awareness, responsibility, and change.

How can you contribute? Choose one or more of the following options and make your voice heard:

1. **Capture & Share** – Send an inspiring image of one of the challenges our planet faces and include a brief description of it.
2. **Write & Impact** – Submit a short article about inequality, poverty, or environmental issues such as air and water pollution in your region.
3. **Read & Analyze** – Find an important news story from magazines, newspapers, or online sources, analyze it, and write your opinion or conclusion.
4. **Express Your Feelings & Thoughts** – Choose an important global issue and share your thoughts, ideas, or feelings about it.
5. **Tell Your Story** – Share a personal experience or memory related to challenges like inequality, poverty, unemployment, or pollution.
6. **Suggest Solutions** – Share ideas on how humanity can adopt better social behaviors and ultimately create a better world.
7. **Any Creative Idea** – Any initiative that can raise awareness and inspire change!

Join us! The next issue of the magazine is being prepared, and we are eager to feature your voice in it. You can submit your contributions each month by the 20th via our official Gmail address.

Every thought, every word, and every action of yours matters. Together, we will build a better future!

Thank you for your support, contribution, and for being an inspiration on this journey. Together, we will create change!

بخشی از حرکت جهانی برای تغییر باشید!

خوانندگان محترم،

سپاسگزاریم از اینکه خواننده مجله جهانی مسائل سیاره ما هستید! توجه و علاقه‌ی شما به این مجله برای ما ارزشمند است و باور داریم که با هم می‌توانیم تغییری واقعی ایجاد کنیم.

صدای شما مهم است! از شما دعوت می‌کنیم تا افکار، تجربیات و خلاقیت خود را با ما به اشتراک بگذارید و در شکل‌گیری شماره بعدی مسائل سیاره ما نقش داشته باشید. هر مشارکت، هرچند کوچک، می‌تواند جرقه‌ای برای آگاهی، مسئولیت‌پذیری و تغییر باشد.

چگونه می‌توانید مشارکت کنید؟ یکی یا چند مورد از گزینه های زیر را انتخاب کنید و صدای خود را به گوش جهان برسانید:

۱. **عکس بگیرید و به اشتراک بگذارید** – تصویری الهام‌بخش از یکی از چالش‌های سیاره‌ی ما ارسال کنید و توضیح کوتاهی درباره‌ی آن بنویسید.

۲. **بنویسید و تأثیر بگذارید** – مقاله‌ای کوتاه درباره نابرابری، فقر یا مشکلات زیست‌محیطی مانند آلودگی هوا و آب در منطقه‌ی خود، ارسال کنید.

۳. **بخوانید و تحلیل کنید** – خبری مهم را از مجلات، روزنامه‌ها یا منابع آنلاین پیدا کنید، آن را تحلیل کنید و نظر یا نتیجه‌گیری خود را بنویسید.

۴. **احساسات و افکار خود را بیان کنید** – یکی از مسائل مهم جهانی را انتخاب کنید و دیدگاه‌ها، ایده‌ها یا احساسات خود را درباره آن به اشتراک بگذارید.

۵. **داستان خود را روایت کنید** – تجربه‌ی شخصی یا خاطره‌ای از مشکلاتی مانند نابرابری، فقر، بیکاری یا آلودگی با ما در میان بگذارید.

۶. **راهکار ارائه دهید** – ایده‌هایی را به اشتراک بگذارید که چگونه بشریت می‌تواند رفتارهای اجتماعی بهتری اتخاذ کند و در نهایت دنیای بهتری بسازد.

۷. **هر ایده‌ی خلاقانه‌ای** که می‌تواند آگاهی را افزایش دهد و الهام‌بخش تغییر باشد!

به ما بپیوندید! شماره بعدی مجله در حال آماده‌سازی است و ما مشتاقیم که صدای شما را در آن منتشر کنیم. شما می‌توانید آثار خود را هر ماه تا تاریخ ۲۰ام از طریق ایمیل رسمی مجله ارسال کنید.

هر فکر، هر کلمه و هر اقدام شما مهم است. با هم، آینده‌ای بهتر خواهیم ساخت! از شما بابت همراهی، مشارکت و الهام‌بخش بودن در این مسیر سپاسگزاریم. با هم، تغییر را رقم خواهیم زد!